

ح.حارث

از افغانستان خارج شوید

بخش دوم

حضور «ایساف» در غرب کشور گسترش یافت، قوای آلمان مؤقتاً در آنجا شرکت نکردند، اما تعداد سربازان آلمان به ۳۰۰۰ نفر افزایش یافت. با فشار ناتو مناطق عملیات قوای آلمان نیز در شمال افغانستان توسعه یافت. البته با ساحه یی محدود، برای زمان کوتاه و تحت شرایط لازم.

قوای آلمان این محدودیت را با بزرگواری و سر بلند وسعت بخشید و با ۳۰-۴۰ سرباز در خارج از شمال و کابل نیز فعال گردیدند. با گسترش ساحه فعالیت خود، بخش اعظم وظایف کار شناسان خبری راه دور را به دوش گرفتند و هم در تعویض پیلوتان قوای هوایی بریتانیا برای چندی استخدام گردیدند. تا اکنون قوای ائتلاف ۴۰۰ پرواز حمایتی - تقویتی در جنوب و شرق انجام داده اند. طبق اصول، این پروازها باید انتقال زخمیهارا شامل گردد.

در اواسط سال ۲۰۰۶ ساحه عملیات ایساف را جنوب و در خزان همان سال شرق کشور نیز شامل گردید. و اکنون در تمام افغانستان فعال هستند. سربازان ایساف نه تنها عملیات را در مناطق طالبان انجام دادند، بلکه جلوتر هم رفتند. لیکن سرحد و حدود میان عملیات و وظایف «ISAF» و «OEF» ناممکن گردید.

از تابستان سال ۲۰۰۶ سربازان ایساف در حملات نظامی بالای شورشیان سهم مستقیم دارند. «ایساف» تلاش دارد صلح را در میدانهای نبرد بالای طرف مقابل تحمیل نماید. «ناتو» در میان مردم و در ساحه ملکی در گشت و گذار اند و اکثراً معلوم نیست که با همزمان خود معامله میکنند و یا با اهالی. اما قربانیان افراد ملکی به طور مستدام افزایش مییابد.

قوای آلمان قرار گاه خود را در مزار شریف نزدیک قرار گاه هوایی ستراتژیک در ترمز ازبکستان ایجاد نمود.

در تصویر های که سربازان آلمانی با جمجمهٔ انسانها ژست گرفته بودند فاجعه بار بود، وکلای دولتی آلمان برای مدت کوتاه علیه ۲۳ سرباز پیشین بازرسی را آغاز نمودند. طوریکه بعداً معلوم گردید، این جمجمه ها از اجساد بجا ماندهٔ سربازان اتحاد شوروی سابق از سالهای ۱۹۸۰ بوده است، بنا بر این سیاستمداران و محاکم از خود چندان علاقمندی نشان ندادند. نزد اکثراً سوال مطرح گردید که چرا چنین وحشیگریهای سربازان آلمان مورد باز پرس جدی قرار نگرفت ؟

در ماه مارچ سال ۲۰۰۷ سرپرستی مناطق نا محدود با تعداد ۳۵۰۰ سرباز افزایش یافت. هواپیماهای اکتشافی در جنوب و شرق به پرواز در آمدند و اهداف را در مناطق تحت عملیات برای بمباردمان تثبیت نمودند. پیلوتان آلمان وظایف را به دوش گرفتند که در گذشته پیلوتهای انگلیسی انجام میدادند. پس از این تقسیم وظایف پیلوتهای انگلیسی دیگر مصروف پروازهای تجسّسی نشدند، بلکه وظیفهٔ بمباردمان را به عهده گرفتند.

در خزان سال ۲۰۰۷ سربازان آلمانی در عملیات های جنگی مناطق سرحدی کوماندو های منطقوی شمال و غرب، گاهی مناطق تحت سرپرستی خود را ترک میگفتند. از قرار معلوم حمایت از نیروهای ناروی لازم بود اما بعداً روشن گردید گسترش واحدهای آلمانی در عملیتهای تهاجمی در چوکات نیروهای واکنش سریع «QRF» (Quick Reaktion Force) نیز مطرح بوده است.

در عملیتهای نظامی «Harekate Jolo 1 and Jolo 2» باید قرار گاه های نیروهای مخالف حکومت تسخیر و مناطق به صورت مسلحانه دوباره تحت حاکمیت حکومت مرکزی قرار میگرفت.

اینکه این عملیات و عملیتهای مشابه به چه پیمانانه برای این کشور مؤثر و مفید بوده است، نتیجه گیری کلی «Mike Mc Connell» هماهنگ کنندهٔ استخبارات ایالات متحده گزارش را که به صورت تحریری و شفاهی در کانگرس ایالات متحده در ماه مارچ

۲۰۰۸ ارایه کرد، همه را که در رویاً مستی قرار داشتند به خود آورد. وی بیان داشت: « که ۳۰ درصد خاک افغانستان توسط حکومت کرزی و ناتو کنترل میگردد، ۱۰ درصد خاک این کشور در تحت اداره طالبان و بخش اعظم دیگر آن توسط قدرتمندان محلی اداره میگردد.»

همچنان در بررسی « انستیتوت تحقیقاتی صلح و سیاست امنیتی » دانشگاه برلین اعلام گردید که: دموکراتیزه ساختن و طرح اعمار و باز سازی کشور به علت افزایش فساد و جنایت، جداً عملی پنداشته نمیشود. به گمان اغلب مردم، اوضاع امروز از زمان طالبان، مجاهدین و کمونیستها بهتر نیست و بد تر گردیده است.

در آغاز سال ۲۰۰۸ اعلام گردید که گویا قوای آلمانی از تابستان امسال مسؤولیت رهبری «نیروهای واکنش سریع» را از قوای ناروی تسلیم میشوند، از اول جولای ۲۰۰۸ تانکها از محل «اوگست دورف» و پرا شوتیستها بنام «لشکر عملیات خاص» (**Division Spezielle Operation**) به سوی افغانستان حرکت کردند. توسط این قوا حملات خاص تهاجمی صورت خواهد گرفت و سربازان تلفات را متقبل خواهند شد.

اولین سرباز واکنش سریع (QRF) بتاريخ ۲۷ اگست در یک گزمه جان خود را از دست داد. همچنان سربازان آلمانی مسؤول قتل افراد ملکی درین کشور نیز هستند. به نقل قول از پلیس افغان به تاریخ ۱۹ اگست عساکر آلمانی یک چوپان غیر مسلح را به قتل رسانیدند و به تاریخ ۲۹ اگست یک مادر و دو طفل وی را در یک جاده که تحت مراقبت قرار داشت به قتل رسانیدند. بعد از تصویب گسیل ۱۰۰۰ سرباز اضافی توسط پارلمان آلمان، تعداد سربازان آلمان در افغانستان به ۴۵۰۰ سرباز میرسد. فعالیت هرچه بیشتر هواپیما های آواکس نیز در دستور روز قرار دارد. قرار اظهارات مقامهای رسمی، ازین هواپیماها به مثابه برج میدان هوایی برای تنظیم ترافیک هوایی استفاده به عمل می آید. اکنون ۱۷ فروند مربوط « ناتو » در قرار گاه «گیلین کرخین» در «آخن» جا بجا گردیده اند. بخش از آن در خلیج انتقال داده خواهد شد.

هواپیماهای آواکس میتواند در افغانستان از فاصله های صد کیلو متری اهداف را تشخیص کند. همچنان در ایران و پاکستان.

با نظارت این هواپیماها جنگ افغانستان بُعد اضافی منطوقی می یابد و امکانات و ظرفیت فراگیر شدن را تشدید میبخشد.

حکومت آلمان میداند که اکثریت مردم آلمان مخالف حضور نیروهای آن کشور در افغانستان میباشند، بخاطر پذیرفتن یا عادت نمودن مردم آلمان در جنگ، وزارت دفاع و رهبری قوای مسلح آن پیوسته تلاش دارند تا احساسات مردم را برانگیخته و از آن سود برند. از جمله تعهد و سوگند سربازان جدید در پارلمان کشور، و طرح وزارت دفاع آلمان در مورد بنای یادگاری از سربازان که جان خویش را در هندوکش و دیگر مناطق جهان از دست داده اند، میباشد. در سنگ نبشته این بنای یادگاری میخوانیم: « مرگ سربازان ما بخاطر صلح، حقوق و آزادی.»

این تصورات ذهنی بیجا، بیمورد، ناموفق و بی نتیجه میباشد. افزایش مداوم وظایف قوای مسلح آلمان (نظر به احصایه ناتو در سال ۲۰۰۹ به ۳۳،۵ میلیارد دالر میرسد) و کاهش تأمینات اجتماعی، مردم را به اعتراضهای شدید وامیدارد. تظاهر کننده گان ضد جنگ علیه نشست سران ناتو در ۳ و ۴ اپریل سال ۲۰۰۹ آماده گی میگیرند.

ناتو در جستجوی راه گریز،

جنگ افغانستان در واقعیت امر شکست خورده است و حکومت آلمان هنوز قوای خود را تقویه میکند.

استخبارات ایالات متحده اوضاع افغانستان را غم انگیز میخواند. طوریکه سرویسهای مختلف آن اداره همچنان «National Intelligence Estimate for Afghanistan» پیشبینی میکنند زمستان سال جاری مانند سالهای گذشته عادی نخواهد بود. منابع حکومتی به نقل قول از گزارشهای منابع مختلف خبر میدهند که طالبان افغانی مناطق تصرف شده را توسعه خواهند بخشید، و زمستان داغ برای قوای خارجی و متحدین داخلی شان (کولابراتور) خواهد بود. تلفات نیروهای خارجی به ویژه ایالات متحده در ماه سپتامبر بیش از مجموع تلفات سال ۲۰۰۷ بوده است. اوضاع افغانستان تا حدی نا آرام است که

قوماندان عمومی در افغانستان جنرال آمریکایی داوید مک کیرنن (David Mc Kiernann) پیشنهاد عاجل سرباز و کمکهای اقتصادی بیشتر را نمود.

همچنان قوماندان عمومی قوا انگلیس در افغانستان « جنرال مارک کارلتون سمیت» در هفته گذشته اعتراف کرد که جنگ علیه طالبان به پیروزی نخواهند رسید.

سفیر بریتانیا در کابل «سر شیرارد کوپر کولز» (Sir. Sherard Cowper-Coles) هشدار داد که تقویه بیشتر ناتو غیر مؤثر خواهد بود. در یادداشتی که وی برای حکومت خود ارسال داشت و به تاریخ اول اکتوبر در « تایمز آف لندن» به نشر رسید، وی مینویسد: «اوضاع عمومی بسیار خراب است و وضع امنیتی خرابتر. با فساد که در دولت وجود دارد حکومت اعتماد مردم را به کلی از دست داده است، حضور قوای ناتو بخش ازین مشکل است نی راه حل. این قوا باید زمانی خارج شود و آن پر هیجان خواهد بود. شاید هدف « کوپر کولز» خاطره شکست انگلیسها در ۱۰۰ سال پیش باشد که تا آخرین فرد هلاک گردیدند؟

با توجه به وضع فاجعه بار، مفهوم تغیر ستراتیژی، همچنان در ائتلاف برلین نیز دیگر حرف « تابو» نیست. نماینده گان احزاب شامل حکومت به طور واضح از پایان فعالیت نظامی در افغانستان سخن گفتند، آنها همچنان پیشنهاد خروج تدریجی، گام به گام قوای آلمان و ناتو را از افغانستان تقاضا نمودند.

به نقل از منابع « ddp» و تأیید منابع پارلمانی در برلین، سند از ناتو وجود دارد که چار چوب زمانی تسلیمدهی عملیتهای جنگی را از قوای ائتلاف به اردو و پلیس افغانستان تعیین میکند. تماسهای مستقیم با طالبان در پایان سپتامبر صورت گرفت و ادامه دارد.

منبع : نشریه آلمانی j.w

19.10.2008

www.ayenda.org